

## غازان خان

هر گاه دعوائی داشته باشند باید بمحکمه قضا تر حاضری شوند  
ا شخا صیده میخو اهند املاک خود را بفرو شدند قبل از انجام عمل مباحه  
و نوشتن قباله فرو شدند باید ما لکیت خود را تا بت کند بعد از آن سند  
وقباله جدید نوشته می شد و چون سند جدید با هضای قاضی میرسید طاسی  
مقابل او گذاشته شده بود و در آن طاس همه اسناد سابق را می شست  
قباله ها ئیکه تا ریخ کتا بت آن زیاد تر از سی سال بود از بین میرفت  
دعای سی ساله اصلا شنیده نمی شد.

برای قضیه ای که ما بین دو منول بایک ترک و بیک تاجک بود شورای قضائی  
هشتمل بر حکام، قضات، و سادات و دانشمندان تشکیل میگردد این هیئت  
در مسجد جامع جمع می شدند و به قضا یا رسیدگی میکردند در دعاوی  
مشکله نیز شورای نظیر این شوری منعقد میگردد در قباله و اسناد فروش  
املاک مخصوصاً تا ریخ ثبت و نگارش سند را قید میکردند. این فرمان  
در موصل نوشته شد و بطور متحد امال آنرا با اطلاع جمیع قضات در سرتاسر  
کشور رسانیدند و از ایشان امضاء گرفتند تا به و جب آن بعمل نمایند.

### اصلاح اخذ مالیات

بواسطه افراط کاری های سلاطین ایلخانی وضع مالی دولت خراب  
بود. خرابی وضع مالی حتی پیش از غازان نیز دیده می شد و هنگامیکه  
او بسلطنت میرسید در خزانه عملاً چیزی باقی نمانده بود حتی میگویند  
وضع به اندازه ای خراب بود که برای پرداخت هدایای لازم به سفرای  
خارجی در خزانه چیزی نداشتند. غازان وارث مملکتی شده بود که  
بگفته خود او یکسره ویران و قافله هیچ نوع مالیات نبود.

پیش از غازان سلاطین مغول مالیه هر شهر را معین کرده دادوستد آنرا بدست یکنفر حاکم میگذاشتند و حکام برای بدست آوردن حکومت یک ناحیه باید مقدار زیادی اعیان و تعارفات بمقام بلندتر خود تقدیم میکرد سو رسات و مخدوم رج عالییه دربار و لوازم آنجا را نیز باید حاکم مهیا میکرد و بمرجعش میرسانید.

ایلخان مالیات اطراف را بوسیله نمایندگان خود تحصیل میکرد و قتی این نماینده با اطراف مملکت میرفتند بهانه ای بدست حکام اقتاده برای گرفتن مالیات از اجرای هر نوع اجبار خود داری نمیکردند. و در ظرف سال چند مرتبه از مردم مالیه می گرفتند تجاوز و خلاف رفتاری مامورین مالی و حکام با اندازه ای رسیده بود که مردم از ترس آنها در خانه های خود مخفی می شدند و با اینکه منزله خود را ترک گفته جلای وطن اختیار میکردند و با وجود آن عملاً هیچ چیزی بخزانه دولت نمیدادند. دولت با اندازه ای به بحران مالی گرفتار شده بود که حتی نمی توانست معاش عساکر را پردازد.

غازان از این اوضاع بسیار متاثر شد و فرمان داد که وزراء هیچ ولایتی را بمقاطعه ندهند و این ترقیب دولت حکام از دادوستد کوتاه گردید و نیز فرمان داد که در ظرف سال پیش از یک دفعه از مردم مالیه نگیرند و برای اینکه زیان های قبلی جبران شود در سه سال اول یک مرتبه مالیه باید گرفته شود. قانون مالی ولایات را تنظیم کرد و اصل آن را که بمهر غازان رسیده بود در تبریز نگهداشتند. و سواد آنرا بولایات فرستادند. غازان امر کرده بود که سواد قانون مالی بر سنگها حک شده و در سراسر کشور در دهات و قصبات و شهرها آنرا در جای معینی نصب کنند. نارعا یا تکلیف خود را در پرداخت مالیات بفهمند و اگر حاکم بخواهد بر آنها تعدی کند، مردم بتوانند مطلب را با اطلاع غازان برسانند. اهالی دهات که نمی توانستند مالیات خود را یک مرتبه بدهند بدو قسط می برداختند.

## اصلاح او زان

قبل از غازان خان او زان در سر تا سر کشور مقدار معینی نداشت و در هر گوشه مملکت وزن معینی مروج بود ازین جهت خلل در معاملات واقع می شد. اغنیا و ثروتمندان بزرور اوزان سبک خود شان را با او زان سنگین جاهای دیگر مبادله میکردند باین ترتیب هر صدمن آنها برابر با هفتاد باصصت من بود. در موقع گرفتن بعکس معامله می شد. غازان بهر ولایت دو معتمد را از طرف خود فرستاد نام این دو معتمد را جنیب السیر استاد فخرالدین و بهاء الدین خراسانی ذکر کرده. باین اشخاص هدایت داده شد اوزان را برابر با من تبریز و بشکل هشت ضلعی درست کنند. هر که میخواهد سنگ وزن بسازد باید به صحت این در شخص برساند آن دو نفر معتمد اوزان را با معیار بکه با خود داشتند درست کرده مهر بر آن میزدند اشخاص دیگر مجاز نبودند باین کار اقدام نمایند. در آخر ماه سنگها را وزن میکردند تا کسی بر خلاف آن رفتار نکرده باشد برای وزن سنگها را باین ترتیب می ساختند: ۱۰ من ' پنج من ' دو من ' یک من ' نیم من ' یک چارک ' ده درم ' پنج درم ' یک درم . بارهای وزین را باقیان وزن میکردند بعد از سنجش و کیل ها متوجه شدند و برای هر یک از حیوانات کیل معینی ساختند .

## اصلاحات کشاورزی

به نسبت استیلای مغولها و حکومت طولانی آنها و قتل و جنگهای مداوم قری و قصبات ویران و اراضی زراعتی بایر شده بود غازان متوجه این امر گردیده مردمان متنفذ را در انجمنی جمع کرد و اهمیت تجارت را بایشان خاطر نشان ساخت و برای اینکه آبادی اراضی با بر تشویق شود مالیات آینده آن اراضی را تخفیف داد و اجرائی آنرا چنین مقرر فرمود:

(۱) اراضی ایکه نزدیک نهر آب واقع شده و دهقان بدون زحمت می تواند از آن استفاده کند. اشخاصی که این اراضی را میکارند سال اول از مالیه معاف هستند سال دوم سه ربع مالیه را باید بپردازند و سال سوم مالیه را بتمام.

(۲) اراضی ایله آب جوی بان با تحمل عشقت میرسد سال اول از مالیه معاف است، سال دوم نصف مالیه را با یسد بد دهند و در سال سوم ما نند سا بر مردم ما لیه خود را بپرد از ند.

(۳) اراضی که آبیاری آن زحمت فر اوان بخو اهد یا از قنات آبیاری شود سال اول از مالیه معاف است سال دوم مقدار بسیار جزئی از مالیه خود را خواهد پرداخت در سایر سنوات لازم نیست بیشتر از نصف مالیه را بپرد. رایج با راضی دولتی امر کرد که مقدار معین پول در وجه حاکم محلی هر ولایت یا ناحیه از درك محصول زراعتی این اراضی قید کنند. و آن مبلغ را هر سال از حاکم با زیافت دارند این کار برای نگهداری اراضی تدبیر خوبی بود زیرا از بک طرف مقداری پول عاید خزانه دولت می شد و از طرف دیگر برای اینکه حاکم بتواند مبلغ معین را از زمین در آورد، نمیکذاشت زمین زراعتی خراب شود حکام میخواستند بهانه دیگری برای این کار درست کنند و آفت آسمانی را عذر عدم تادیه مبلغ معین سازند. غازان این عذر را نپذیرفت و امر داد، در عوض املاک شخصی حکام را متصرف شوند پس ازین واقعه حکام ایالات در آبادی اراضی دولتی کمال سعی را بعمل میاوردند.

#### اصلاح امور زراعتی و هوای سلامت

در دوره مغول برای ابلاغ او امر و وصول اخبار ملازمین دولتی بنام ایلچی در اطراف و اکناف کشور مشغول گشت و گذار بودند گاهی هم مردم بدادخواهی بیکی از شهزاده های مغول متوسل می شد و او از طرف خود نما ینده ای جهت رفع ظلم میفرستاد این نما ینده با آنکه اسپهای زیادی با مهمات برای او تهیه شده بود موقع را مغتنم شمرد و در راه با هر گله اسپ رو برو می شد برای سواری خود از بین آنها بر میداشت رفته رفته تریب ایلچی گری باندازه ای خراب شد که جمعی از دزدان خود را به لباس ایلچی در آوردند و بجان و مال مردم افتادند ایلچیان

خود نیز بهره یا ناحیه ای که میرسیدند تنها بر بودن اسپ قانع  
نبودند از دارائی مردم هر قدر می توانستند استفاده میکردند غرض از آن  
چون ارضاع را باین ترتیب دید امر کرد در هر سه فرسخ قرار گاهی بر ای  
اسپها بسازند و در آنجا پانزده اسپ فر به نگهباناندا یا لچی هائیکه برای اجرای  
امور دولتی اعزام می شوند بنا بد بعد ازین با خود معرفت نامه رسمی  
داشته باشند. چنین اشخاص بمجر در رسیدن بقرار گاه می توانند از اسپهای  
دولتی استفاده کنند این قرار گاهها را که می توان آن را قرار گاه پستی  
شمرد یکی از امراء سپرده بودند تا از آن مراقبه کنند برای نگهبانان  
این هادر بودجه دولتی مقدار معتنای بهی پیش بینی شده بود و یا لچی ها  
نمی توانستند بیشتر از چهار اسپ بردارند هر گاه خبر مهم و فوری میبود  
یا لچی آنرا یکی از قرار گاهها میرسانید و بمجر د و رود یا لچی دیگر  
آنرا از آن قرار گاه بقرار گاه دیگر میرسد و بهمین ترتیب تا بمقصد  
میرسانیدند. میگویند در اثر این کار می توانستند در یک شبانه روز ۶۰  
فرسخ راه بروند و اخبار خراسان را در چهار روز به تبریز برسانند  
در دوره غازان فرمان اکید صادر شده بود که هیچ یک از امراء غیر  
از ما مور بن دولتی نمیتوانند بنا طرف یا لچی بنفروستند.

#### تعمیم امنیت

در اثر هجوم مغول و چار و چنگال های بیهمراهان در سر تا سر کشور  
بی امن شده بود اهالی قریه های کنار راه با دزدان یکدست شده بودند  
و بمال تجار و مسافرها دستبرد میزدند محافلین شوارع عمومی نیز  
عوض اینکه راه را درست کنند خود با قطع الطریقها جور میامدند و عابرین  
را اذیت می نمودند

غازان برای اینکه راهها را مامون بسازد امر کرد که هنگام هجوم  
دزدان مردم اصلاً نباید بگریزند و تاجان دارند از خود دفاع نمایند  
هر گاه یکی از مسافرها بگریزد و در نطق خود را در معرکه تنها بگذارد  
باید خساره جان و مال او را متعهد شود.